



شب شده پر ستاره!

دکتر روحانی گفت: «شما می‌خواستید ستاره کم شود، ما آسمان پرستاره را برداشتیم به کلی!»؛ با خودمان اندیشیدم که چه افرادی با چه اهدافی قصد کم شدن ستاره را داشتند؟ و اگر مطالباتشان در حد کم شدن ستاره بود، چرا آسمان به کلی برداشته شد؟ در همین راستا و برای آنکه نشان دهیم این حذف ستاره‌ها چه کار خوبی بوده است، نگاهی داشتیم به اشعار برخی از شعرا کشور که بدانید چه دل پری از ستاره‌ها داشته‌اند.

مولوی در یکی از اشعار خود می‌گوید: «خبر کن ای ستاره یار ما راه که دریابد دل خون‌خوار ما را»، به نظر می‌رسد در آن زمان به دلیل نبود تلفن‌همراه و تلگرام و امثالهم، راهی غیر از انتقال پیام‌ها به واسطه ستاره نبوده است، بدیهی است که اگر در آن زمان هم ستاره حذف می‌شد بسیاری از ارتباطات غیرضروری و ناصحیح انجام نمی‌گرفت. اصلاً چرا باید یک یاری بیاید و دل خون‌خوار دیگری را دریابد؟

سعدی نیز در یکی از شعرهایش گفته است: «چه شب است یارب امشب که ستاره‌ای برآمد، که دگر نه عشق خورشید و نه مهر ماه دارم»، به نظر می‌رسد سعدی دچار یک مربع عشقی شده است و میان ستاره و خورشید و ماه دچار تردید گشته است. اگر در آن زمان نیز ستاره حذف می‌شد سعدی آزار نمی‌دید، خورشید را صبح نگاه می‌کرد و ماه را شب و دیگر مهمان از دلش بیرون نمی‌رفت.

سهراب سپهری در یکی از شعرهایش از ستاره گفته است: «در اتاق من صدای کاهش مقیاس آمد، لحظه‌های کوچک من تا ستاره فکر می‌کردند»؛ به نظر می‌رسد این شعر را سهراب در زمانی که دانشجو بوده و امتحان پایان‌ترم داشته، سروده است. وی درحالی که امتحان نقشه‌کشی مکانیک داشته و درگیر مقیاس و این‌حرف‌ها بوده ناگهان به یاد ستاره افتاده و از فکر درس بیرون آمده است. بدیهی است اگر ستاره‌ای نبود، سهراب هم درسش را می‌خواند و مدرکش را می‌گرفت و آخرش کاروبار درست و حسابی پیدا می‌کرد و دیگر نمی‌سرود: «روزگار بد نیست، تکه‌نانی دارم» بلکه می‌سرود: «مهندسی هستم، ماشین شاسی‌بلندی دارم».

حتی در شعرهای محمدعلی بهمنی هم گلایه از ستاره مشهود است، وی در یکی از ابیات خودش آورده است: «دلگیرم از ستاره، آرزوهای ماه، امشب دگر زهر که و هر کار خست‌تام» ای کاش دکتر روحانی زودتر رئیس‌جمهور می‌شد و با حذف ستاره‌ها مانع از خستگی آقای بهمنی می‌شد.

البته در این میان، شاعرانی در آن‌طرف آب‌ها از ستاره‌ها حمایت می‌کردند و طرفدار شب‌های پرستاره بودند. نمونه‌اش فردی معلوم‌الحال که در جایی گفته است: «شب شده پرستاره، چشمک بزنی دوباره» و در ادامه بقیه را به حرکات موزون تشویق کرده است.



مجتبی
نخعی‌راد

یک لایو اینستاگرام می‌گذارید که مردم، دیروز شنیدم برای خرید خودرو هجوم برده بودید، آخه چرا؟ خواهشاً یه‌مدت شاسی‌بلند خارجی نخرید تا تقاضا کم بشه و قیمت‌ها دوباره بکشه پایین.

● **لیمویی:** این نوع نقد چون طعم ترش دارد هنگام شنیدن آن، قیافه آدم در هم کشیده می‌شود و اصلاً طرفدار ندارد. مشخص نیست نقد کننده با خودش چندچند است و «هاذا فاذا»طور است. طرف خودش سوزه نقد است و از فرق سر تا کف پا رکورد گینس سوتی را می‌شکند، بعد برای بقیه نقد هم می‌کند و می‌گوید اگر من در جایگاه قبلی‌ام بودم در ۳ حرکت مشکلات را درست می‌کردم!

● **ماست و ریحان:** مناسب روحیه افراد آرام و تا حدی بی‌حال است. در این مورد نوه‌ها دیگر از آلوم پند و اندرز نقدکننده استفاده نمی‌کنند و او مجبور می‌شود نقدهای ماست خود را به سطح جامعه بیاورد و بگوید: ما گل‌های خندانیم، فرزندان ایرانیم!

● **فل‌فل:** با اینکه یک بچه کودکستانی هم می‌داند فل‌فل شما را می‌سوزاند، ولی چون پارتی کلفت دارد همیشه جزو طعم‌ها قرار می‌گیرد. شهرام و بهرام هم برایش توفیری ندارد و خشک و تر را با هم می‌سوزاند. به اینکه شما قبلاً چه خورده‌اید، مزه دهاتنان چیست و در آینده دوست دارید سراغ چه طعمی بروید، هم ابدا کاری ندارد و فقط یک هدف را دنبال می‌کند. کل یوم شمشیر را از رو می‌بندد و با بلدوزر از روی شما رد می‌شود.

چقدر ما بدبختیم، دارو هست ولی کم است، من کلیه‌ام را به خاطر بچه‌ام فروخته‌ام و این‌چور سوزوگداها، خوب اشک همه را در می‌آوریم؛ سپس وارد فاز جعفری می‌شویم و از مردم طلب پول و کمک می‌کنیم. نقدشناسان معتقدند این جور نقد کردن اگر برای بقیه آب نداشته باشد، برای شما قطعاً نان خواهد داشت.

● **کچاپ:** لاکچری‌ترین نوع نقد است. شما همه کارها و بی‌زیستان را کرده‌اید و برای خالی نبودن عریضه، یک نقد با طعم سس کچاپ هم روی آن می‌زنید که نگویند لال هستی! مثلاً شما در پورش شاسی‌دارتان نشسته‌اید و در حالی که در خیابان دوردور می‌کنید، درد مردم را هم فراموش نمی‌کنید و

استطاعت مالی، به شیوه‌های درمانی مالشی بکشاند.

● **سرکه نمکی:** این مدل نقد برای آدم‌های تنوع‌طلب است که تا چندوقت پیش نمی‌دانستند نقد را با کدام قاف می‌نویسند، اما الان که باد در این مسیر می‌وزد، برای اینکه از قافله عقب نمانند تغییر جهت می‌دهند و و در راستای پاسخ‌گویی به تقاضای بازار، آن‌ها هم دست به نقد می‌شوند. قابل پیش‌بینی است در آینده نزدیک، با تغییر جهت باد و تغییر میزها و صندلی‌ها، دوباره چهارگوشه نقد را می‌بوسند و سرشان به کار خودشان گرم می‌شود.

● **پیاز جعفری:** این مدل نقد پرطرفدارترین نوع است که این روزها حتی در تلویزیون هم مد شده است. ابتدا با گفتن جملات مردم

در راستای صحبت‌های اخیر رئیس‌جمهور در جمع دانشجویان که گفتند: «گاهی اوقات نقد به اندازه مفید است اما نقد بیش از حد مثل نمک غذاست، اصلاً نمی‌شود غذا را خورد.» ما هم که عاقبت نقدفروشی را بیشتر از نسپه‌فروشی دوست داریم، نقدا طعم‌های مختلف نقد را خدمتان معرفی می‌کنیم:

● **نمک دریایی:** دم دست‌ترین مدل نقد است که همه‌پسند و چاشنی هرنوع صحبتی است. حتی می‌توانید از آن برای پوشاندن عیوب خود هم استفاده کنید، چرا که از قدیم می‌گویند هر چیز که بگندد، نمکش می‌زنند. زیاده‌روی در مصرف آن، علاوه بر شور شدن غذا، فشارخون آدم را بالا می‌برد و ممکن است کار را به قرص زیر زبانی و در صورت نداشتن

هفت سنگ